

تحلیل الگوی اشتغال
در بخش صنعت ایران
(با بررسی طرح کارانه اشتغال برای جوانان (کاج))

معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی
دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن

کد موضوعی: ۳۱۰
شماره مسلسل: ۱۵۵۲۱
شهریورماه ۱۳۹۶

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	۱. تصویر کلان بازار کار ایران
۶.....	۲. روند اشتغالزایی واحدهای صنعتی
۹.....	۳. توزیع اشتغال در بین صنایع مختلف
۱۱.....	۴. تعطیلی واحدهای صنعتی و تغییر الگوی اشتغال در بخش صنعت
۱۵.....	۵. مهارت، تحصیلات و سن شاغلان و نقش بخش خصوصی در جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی
۲۰.....	۶. بررسی طرح کارانه اشتغال برای جوانان (کاج)
۲۶.....	جمع‌بندی و ارائه راهکار
۳۱.....	منابع و مآخذ



تحلیل الگوی اشتغال در بخش صنعت ایران (با بررسی طرح کارانه اشتغال برای جوانان (کاج))

چکیده

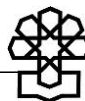
تأمین اشتغال به‌ویژه برای جوانان تحصیلکرده دانشگاهی همواره یکی از دغدغه‌های اصلی سیاستگذاران اقتصادی بوده و تصویر کلان بازار کار ایران نیز مؤید این مطلب است. با عنایت به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و شعار امسال با تأکید بر نگاه توأمان بر تولید و اشتغال ضروری است موضوع فعالیت‌های مولد و اشتغال با کیفیت در سرلوحه برنامه‌ریزان بخش صنعت قرار گیرد. در همین راستا هدف اصلی این مطالعه، واکاوی الگوی اشتغال صنعتی و بررسی اجمالی طرح اشتغالزای «کاج» و ارائه راهکارهای عملیاتی است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر رشد بخش صنعت، منبع اصلی ایجاد اشتغال در بخش صنعت نبوده است. تعداد واحدهای فعال صنعتی (ده نفر کارکن و بیشتر) از میانه دهه ۸۰ به‌شدت تنزل یافت و طی دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ تعداد این واحدها به بیش از ۳۰۰۰ واحد کاهش پیدا کرد، اما تعداد شاغلان بخش در مجموع دارای روند یکنواخت ثابت یا افزایشی بوده است. همچنین ترکیب اشتغال بخش صنعت بیشتر معطوف به کارگران ساده و کارگران ماهر غیردانشگاهی است و سهم این گروه‌ها در اشتغال بخش صنعت بیش از ۷۰ درصد است و در سال‌های اخیر سهم جوانان تحصیلکرده دانشگاهی در اشتغال بخش صنعت تقریباً نزولی بوده است.

با توجه به سهم حدود ۲۸ درصدی بخش صنعت در طرح کارانه اشتغال جوانان (کاج) توجه به الگوی اشتغال در بخش صنعت و دو واقعیت اساسی در این زمینه بسیار حائز اهمیت خواهد بود مبنی بر اینکه عمده اشتغال ایجاد شده در بخش صنعت در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ عمدتاً به صنایع خرد کمتر از ۱۰ نفر یا ۵ نفر کارکن اختصاص داشته که این امر با چگونگی جذب جوانان تحصیلکرده دانشگاهی با تحصیلات لیسانس و بالاتر به‌استثنای فعالیت‌های دانش‌بنیان چندان سازگار به‌نظر نمی‌رسد. از طرف دیگر ماهیت عمده اشتغال بخش صنعت از نوع شاغلان دارای تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم است و اشتغال با تحصیلات دانشگاهی لیسانس و بالاتر برای فعالان بخش صنعت نیازمند محرک‌های قوی‌تری است که باید مورد تأکید قرار گیرد.

بنابراین به‌نظر می‌رسد در طرح‌های اشتغالزایی دولت مانند کاج برای بخش صنعت باید متناسب با نوع بنگاه، از محرک‌ها و سیاست‌های مؤثر در حوزه فناوری و نوآوری بهره گرفته شود. به همین دلیل اصلاحات نهادی و افزایش مشارکت بخش خصوصی در صنعت و افزایش ضریب نفوذ فناوری و نوآوری در بخش صنعت به‌عنوان دو راهکار اساسی برای بهبود وضعیت اشتغال و افزایش به‌کارگیری جوانان تحصیلکرده دانشگاهی در بخش صنعت کشور پیشنهاد می‌شود.

مقدمه

یکی از نکات مهم در شعار امسال، تأکید ویژه و توأمان بر تولید و اشتغال است. به‌عبارت دیگر، تولیدی مورد تأکید است که اشتغالزا و مولد باشد. بنابراین در ادامه اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باید موضوع فعالیت مولد و با کیفیت در سرلوحه برنامه‌ریزان بخش تولید و صنعت قرار گیرد. در همین راستا هدف این مطالعه، واکاوی



ساختار اشتغال در بخش صنعت و بررسی ترکیب اشتغال صنعتی در ابعاد مختلف سنی، تحصیلات و... به تفکیک اندازه بنگاه‌های مختلف است.

در بخش اول گزارش، تصویری کلان از بازار کار ایران به‌طور خلاصه ارائه می‌شود. در بخش دوم روند اشتغالزایی واحدهای صنعتی و در بخش سوم نیز توزیع اشتغال در بین صنایع مختلف مورد تأکید قرار می‌گیرد. در ادامه در بخش چهارم تعطیلی واحدهای صنعتی و تغییر الگوی اشتغال در بخش صنعت و در بخش پنجم نیز مهارت و تحصیلات شاغلان و نقش بخش خصوصی در جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد در بخش ششم طرح کارانه اشتغال برای جوانان (کاج) بررسی می‌شود و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۱. تصویر کلان بازار کار ایران

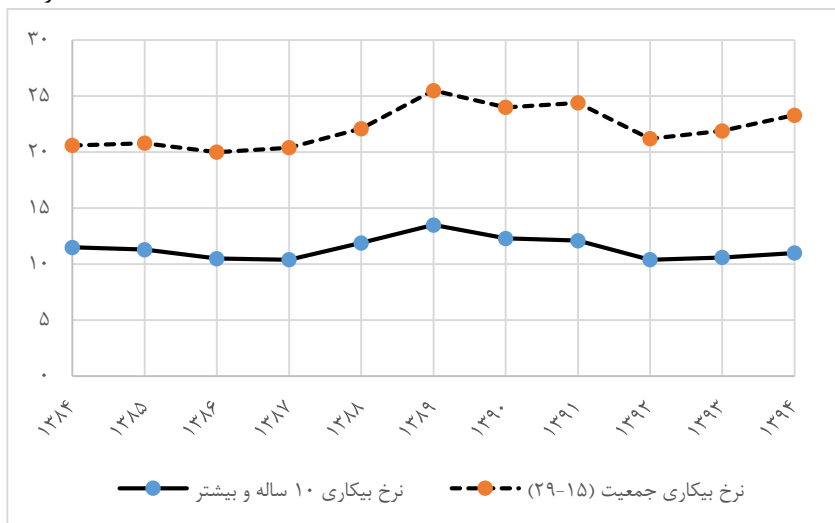
تأمین اشتغال، به‌ویژه برای جوانان همواره یکی از دغدغه‌های جامعه و سیاستگذاران اقتصادی بوده است. در حال حاضر، با توجه به رشد جمعیت در دهه‌های قبل و جذب ناکافی نیروی کار در مشاغل و نیز ترکیب نیروی کار که بخش بزرگی از آن را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند، اشتغال به چالشی مهم برای دولت تبدیل شده است. برآوردها نشان می‌دهد که در پنج سال آینده به‌طور متوسط سالیانه ۲/۵ درصد به افراد متقاضی کار در جامعه ایران اضافه خواهد شد.^۱ این موضوع توجه جدی به اشتغالزایی فعالیت‌های اقتصادی به‌منظور جذب نیروی کار به‌خصوص جوانان جویای کار را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

1. International Monetary Fund, (2015), "Islamic Republic of Iran 2015 Article IV Consultation", IMF Country Report No. 15/349, P.20.

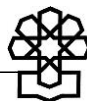
تصویر کلان بازار کار ایران نیز نشان می‌دهد که اشتغالزایی، به‌ویژه برای افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در سال‌های آینده یکی از چالش‌های اساسی برای سیاستگذاران کشور خواهد بود. روند نرخ بیکاری در نمودار ۱ نشان می‌دهد که بعد از سال ۱۳۸۷ نرخ بیکاری کل و نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله که عمدتاً شامل جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی‌اند، افزوده شده است، ضمن اینکه نرخ بیکاری تقریباً هیچ‌گاه به کمتر از ۱۰ درصد نرسیده است که این موضوع به نوعی حاکی از پایداری بیکاری ساختاری به‌ویژه برای جوانان در کشور است.

نمودار ۱. روند نرخ بیکاری جمعیت ده‌ساله و بیشتر و نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ تا ۲۹ ساله

(درصد)



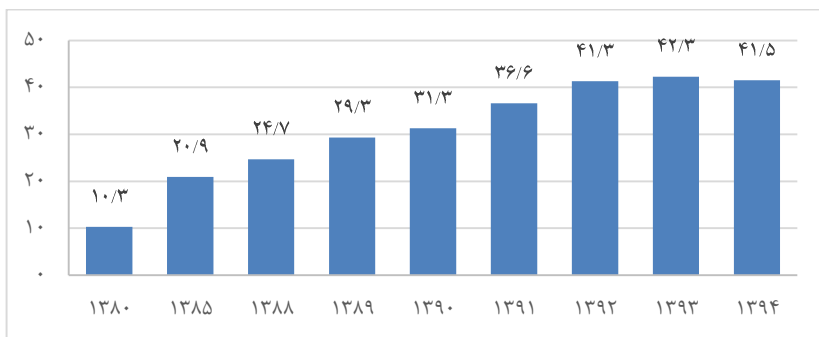
مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری طی سال‌های مختلف.



به نظر می‌رسد که از مهمترین دلایل تداوم نرخ بالای بیکاری در کشور، به عدم تعادل در بازار کار و پیشی گرفتن عرضه بر تقاضای نیروی کار مربوط می‌شود که خود ناشی از تغییرات بلندمدت جمعیتی در دهه‌های گذشته و جوان بودن جمعیت است و از سوی دیگر مشکلات اقتصادی و عدم تداوم نرخ رشد اقتصادی مورد نیاز برای جذب این افراد در بازار کار بوده است. علاوه بر بالا بودن نرخ بیکاری برای جوانان و عدم کاهش آن به نرخ‌های تک‌رقمی، واقعیت دیگر درباره بازار کار در ایران این است که ترکیب بیکاری نیز طی سال‌های گذشته دستخوش تغییر شده است، به‌گونه‌ای که سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی از کل بیکاران رو به افزایش بوده است، به طوری که این سهم از حدود ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۴۱ درصد در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است (نمودار ۲). این وضعیت نشان می‌دهد که ماهیت بازار کار در حال تغییر است و لذا سیاست‌های اشتغالزایی در کشور نیز باید به‌گونه‌ای تدوین و اجرا شود که این بخش از افراد تحصیلکرده جویای کار را تحت پوشش قرار دهد.

نمودار ۲. سهم بیکاران با تحصیلات دانشگاهی از کل بیکاران کشور

(درصد)



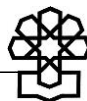
مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۴.

در این میان بخش صنعت به‌طور بالقوه نقش مهمی در جذب نیروی کار دارد. براساس آمارهای رسمی، ۱۶/۸ درصد از شاغلان کشور در بخش صنعت (ساخت) مشغول به فعالیت هستند.^۱ با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهند که علیرغم اینکه رشد صنعتی در گذشته رخ داده است، این رشد به میزان قابل توجهی امکان جذب بیکاران و کاهش نرخ بیکاری را فراهم نکرده است. براساس آمارهای مرکز آمار ایران، متوسط تعداد کارکنان در هر بنگاه صنعتی افزایش یافته است که این افزایش به بیش از ۳۱ درصد می‌رسد. این درحالی است که در همین مدت کمتر از ۱۹ درصد به تعداد شاغلان کارگاه‌های صنعتی افزوده شده است. در نگاه اولیه، این نوعی تناقض محسوب می‌شود، اما با توجه به کاهش تعداد بنگاه‌ها و تعطیلی واحدهای صنعتی طی سال‌های اخیر، امری قابل پذیرش خواهد بود. مسئله اساسی این است که بخش صنعت چه بخشی از نیروی کار را جذب کرده است و آیا این الگو با نیاز بازار کار کشور تناسب داشته است یا خیر. با توجه به عرضه نیروی کار جوان که بخش بزرگی از آنها تحصیلات دانشگاهی دارند و نیاز به ایجاد مشاغل مناسب برای این افراد کاملاً محسوس است. لذا باید شاخصه‌های اصلی اشتغال در بخش صنعت بررسی و تحلیل شوند تا شناخت مناسبی از الگوی تقاضای نیروی کار در بخش صنعت به‌دست آید.

۲. روند اشتغالزایی واحدهای صنعتی

شواهد نشان می‌دهد که در یک دهه گذشته علیرغم تحقق رشد اقتصادی در بخش صنعت، اشتغالزایی کافی در این بخش صورت نگرفته است. براساس آمارهای بانک مرکزی، ارزش افزوده بخش صنعت و معدن بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ به‌طور متوسط سالیانه

۱. مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار، ۱۳۹۴.

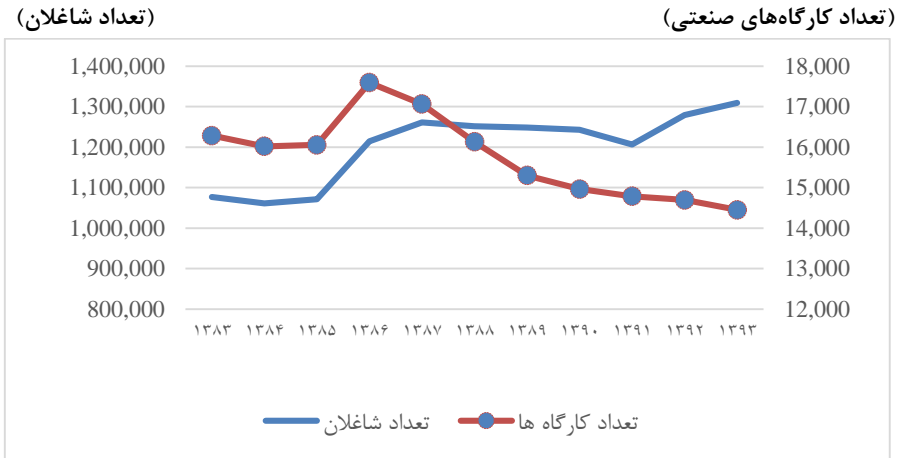


۴/۳ درصد رشد کرده است.^۱ این درحالی است که براساس آمار کارگاه‌های صنعتی، در همین دوره رشد سالیانه اشتغال در کارگاه‌های صنعتی به‌طور متوسط سالیانه ۲ درصد بوده است.^۲ از این اختلاف می‌توان نتیجه گرفت که رشد بخش صنعت، رشد اشتغالزا نبوده است. به بیان دیگر، این رشد به‌گونه‌ای نبوده است که تقاضای کافی برای استخدام نیروی کار ایجاد کند.

همان‌طور که نمودار ۳ نشان می‌دهد، طی یک دهه گذشته، تعداد واحدهای فعال صنعتی کاهش یافته است که گویای بحران تعطیلی کارگاه‌های صنعتی از میانه دهه ۱۳۸۰ است، اما در همین زمان تعداد شاغلان بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ در مجموع روند افزایشی داشته است. با توجه به کاهش تعداد واحدهای فعال صنعتی از سال ۱۳۸۶ به بعد و افزایش تعداد شاغلان در همین زمان، می‌توان نتیجه گرفت که طبیعتاً متوسط تعداد شاغلان به ازای هر واحد صنعتی افزایش یافته باشد.

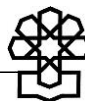
۱. محاسبات براساس آمار حساب‌های ملی و نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی بوده است.
۲. محاسبات براساس آمارهای منتشره مرکز آمار ایران در «نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر» در سال‌های مختلف صورت گرفته است.

نمودار ۳. روند تعداد شاغلان و تعداد کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۳

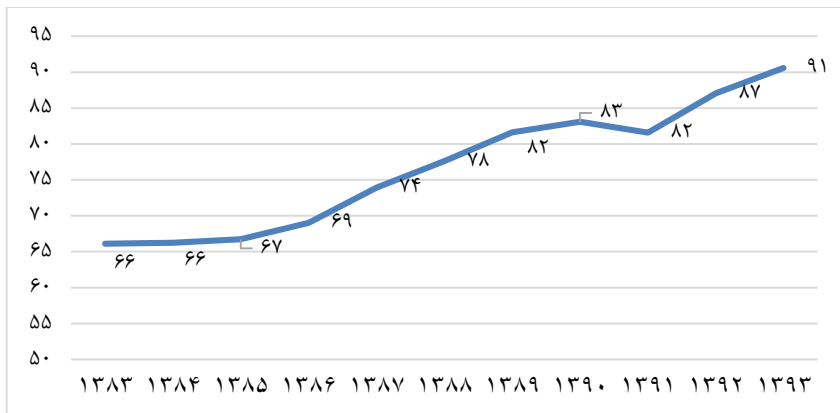


مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر طی سال‌های مختلف.

همان‌طور که نمودار ۴ نشان می‌دهد، طی یک دهه گذشته، متوسط تعداد شاغلان به‌ازای هر کارگاه از ۶۶ نفر به ۹۱ نفر افزایش یافته است که بیانگر رشد متوسط سالیانه ۳/۲ درصد در تعداد شاغلان کارگاه‌های فعال صنعتی است. با این‌حال، به‌دلیل روند تعطیلی کارگاه‌های صنعتی که نشانگر رکود مزمن در بخش صنعت می‌باشد، توان اشتغالزایی واحدهای فعال موجود در بخش صنعت به آن میزان نبوده است که بتوانند تعداد بیشتری از نیروی کار را استخدام کنند.



نمودار ۴. متوسط تعداد شاغلان به ازای هر کارگاه صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر



مأخذ: همان.

۳. توزیع اشتغال در بین صنایع مختلف

پرسش مهمی که مطرح می‌شود این است که کدام یک از صنایع سهم بیشتری از شاغلان را جذب کرده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که صنایع مواد غذایی و آشامیدنی با ۱۶/۵ درصد، بیشترین سهم از شاغلان کارگاه‌های صنعتی را به خود اختصاص داده است. علیرغم اینکه در هر کارگاه صنایع مواد غذایی و آشامیدنی به طور متوسط ۷۸ نفر شاغل هستند، اما به دلیل اینکه تعداد زیادی کارگاه در این صنعت فعال هستند، لذا سهم بالایی از اشتغال صنعتی را نیز به خود اختصاص داد. صنایع تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی نیز با سهم ۱۳ درصد از شاغلان صنعتی در رتبه دوم قرار دارد. در این صنعت نیز هر کارگاه به طور متوسط ۵۷ نفر شاغل داشته است اما به دلیل تعداد زیاد واحدها، سهم بالایی در اشتغالزایی بخش صنعت داشته است.

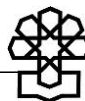
صنایع تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم‌تریلر، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی و تولید فلزات اساسی در رتبه‌های بعدی قرار دارند که هر یک بیش از ۱۰ درصد از اشتغال بخش صنعت را تأمین می‌کنند. متوسط تعداد شاغلان در این دو صنعت به‌طور نسبی بالاست، به‌طوری که در هر واحد تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم‌تریلر به‌طور متوسط، ۲۲۰ نفر، در واحدهای تولید مواد و محصولات شیمیایی، ۱۳۱ نفر و در صنایع فلزات اساسی نیز ۲۰۰ نفر اشتغال دارند.

صنایعی مانند تولید محصولات از توتون و تنباکو به‌دلیل فعالیت تعداد اندکی واحد صنعتی علیرغم اینکه هر واحد تعداد زیادی نیروی کار استخدام کرده‌اند، اما نقش اندکی در اشتغالزایی بخش صنعت داشته‌اند.

جدول ۱. توزیع شاغلان کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر بین صنایع مختلف

در سال ۱۳۹۳

فعالیت	سهم از اشتغال صنعت (درصد)	متوسط شاغلان در هر کارگاه (نفر)
صنایع مواد غذایی و آشامیدنی	۱۶/۵	۷۸
تولید محصولات از توتون و تنباکو - سیگار	۰/۵۴	۱۴۲۲
تولید منسوجات	۶/۴	۸۲
تولید پوشاک - عمل آوردن و رنگ کردن پوست خردار	۰/۵۸	۶۴
دباجی و عمل آوردن چرم و ساخت کیف و چمدان و زین و براق و تولید کفش	۰/۵۵	۵۱
تولید چوب و محصولات چوبی و چوب‌پنبه - غیر از مبلمان - ساخت کالا از نی و مواد حصیری	۰/۷	۸۲
تولید کاغذ و محصولات کاغذی	۱/۸	۷۲
انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده	۰/۵۸	۵۰
صنایع تولید زغال کک - پالایشگاه‌های نفت و سوخت‌های هسته‌ای	۲	۱۷۷



فعالیت	سهام از اشتغال صنعت (درصد)	متوسط شاغلان در هر کارگاه (نفر)
صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی	۱۰/۴	۱۳۱
تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۴/۸	۶۳
تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی	۱۳	۵۷
تولید فلزات اساسی	۱۰/۳	۲۰۰
تولید محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۵/۹	۷۲
تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر	۶/۲	۸۴
تولید ماشین آلات اداری و حسابگر و محاسباتی	۰/۵	۱۹۰
تولید ماشین آلات مولد و انتقال برق و دستگاه های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	۳/۷	۱۰۲
تولید رادیو و تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۰/۵۸	۱۱۱
تولید ابزار پزشکی و ابزار اپتیکی و ابزار دقیق و ساعت های مچی و انواع دیگر ساعت	۱	۱۰۱
تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر	۱۱/۴	۲۲۰
تولید سایر وسایل حمل و نقل	۱/۱	۱۱۹
تولید مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده در جای دیگر	۱/۴	۴۷
بازیافت	۰/۰۲	۲۵

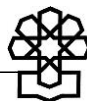
مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از کارگاه های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر، ۱۳۹۳.

۴. تعطیلی واحدهای صنعتی و تغییر الگوی اشتغال در بخش صنعت

همان طور که در بخش قبل بیان شد، تعداد واحدهای فعال در بخش های صنعتی نقش مهمی در جذب شاغلان داشته اند. این موضوع اهمیت صنایع کوچک و متوسط در جذب شاغلان صنعتی را یادآوری می کند. تعریف صنایع کوچک و متوسط در میان کشورها و مناطق مختلف جهان متفاوت می باشد و شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم بر آن کشورها معرف صنایع کوچک و متوسط در آنهاست. برخی از شاخص هایی که معمولاً در تعریف

صنایع کوچک و متوسط به کار می‌روند عبارتند از: تعداد کارکنان، سرمایه، دارایی کل، حجم فروش و ظرفیت‌های تولیدی. اما رایج‌ترین شاخص برای تعریف صنایع کوچک و متوسط استفاده از تعداد کارکنان و یا ترکیبی از تعداد کارکنان و میزان سرمایه است.^۱ در ایران نیز تعاریف متعددی از صنایع کوچک و متوسط در وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلف وجود دارد، اما معیار تعریف همانند تعریف رایج در کشورهای مختلف جهان، تعداد کارکنان است. برای مثال مرکز آمار، بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت هر یک تعریف خاصی از صنایع کوچک و متوسط ارائه می‌دهند. در این مطالعه منظور از صنایع کوچک همان تعریف وزارت صنعت، معدن و تجارت در سند راهبرد توسعه صنعتی کشور (۱۳۸۵-۱۴۰۴) و موضوع تبصره ذیل ماده واحده «قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک» است که به صناعی اطلاق می‌شود که شاغلین در آن صنعت کمتر از پنجاه (۵۰) نفر نیروی انسانی باشد.

اگر این طبقه‌بندی مبنای تمایز صنایع کوچک، از سایر صنایع باشد، در این صورت شواهد نشان می‌دهد که طی یک دهه گذشته تعطیلی واحدهای صنعتی بیشتر به واحدهای کوچک محدود بوده و این موضوع باعث شده است که الگوی اشتغال به تدریج به گونه‌ای تغییر کند که سهم واحدهای کوچک کاهش یابد و برعکس بیشتر شاغلان در واحدهای بزرگ صنعتی متمرکز شوند (جدول ۲).



جدول ۲. توزیع تعداد کارگاه‌های فعال صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر بر حسب تعداد شاغلان

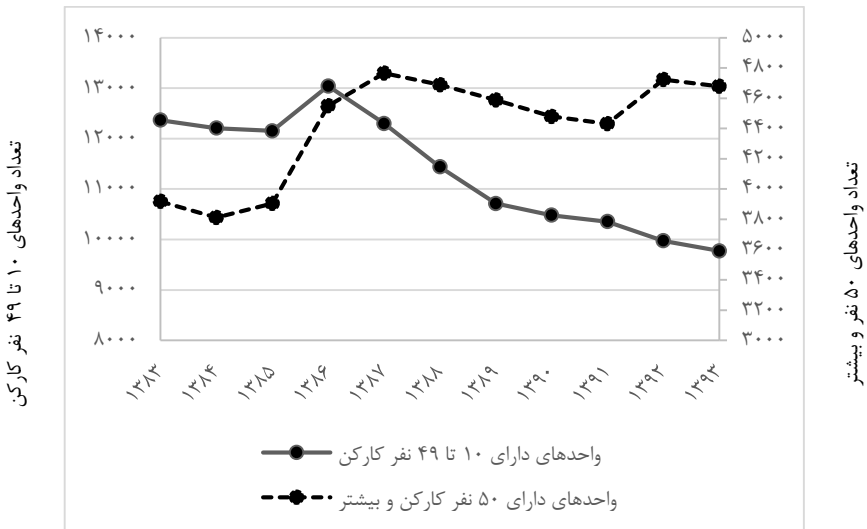
سال	کل کارگاه‌ها	۱۹-۱۰ نفر	۲۹-۲۰ نفر	۳۹-۳۰ نفر	۴۹-۴۰ نفر	۵۹-۵۰ نفر	۶۹-۶۰ نفر	۷۹-۷۰ نفر	۸۹-۸۰ نفر	۹۹-۹۰ نفر	۱۰۰۰ نفر و بیشتر
۱۳۸۳	۱۶,۲۸۳	۶,۳۸۵	۳,۲۱۲	۱,۸۰۶	۹۶۲	۱,۹۲۰	۱,۷۱۶	۱۹۱	۹۱	۹۱	۱,۰۰۰ نفر و بیشتر
۱۳۸۴	۱۶,۰۱۸	۶,۲۵۶	۳,۱۶۵	۱,۷۲۶	۱,۰۵۹	۱,۸۳۰	۱,۷۰۴	۱۸۷	۹۱	۹۱	بیشتر
۱۳۸۵	۱۶,۰۵۷	۶,۰۴۸	۳,۴۱۴	۱,۷۳۳	۹۵۷	۱,۸۵۶	۱,۷۷۹	۱۸۱	۹۰	۹۰	بیشتر
۱۳۸۶	۱۷,۵۹۳	۶,۵۰۷	۳,۳۵۷	۲,۰۱۳	۱,۱۶۵	۲,۱۰۲	۲,۱۴۲	۲۱۷	۹۰	۹۰	بیشتر
۱۳۸۷	۱۷,۰۶۳	۶,۱۱۶	۳,۲۵۸	۱,۷۴۵	۱,۱۷۹	۲,۲۱۰	۲,۲۱۹	۲۲۵	۱۱۱	۱۱۱	بیشتر
۱۳۸۸	۱۶,۱۲۹	۵,۵۶۷	۳,۰۶۵	۱,۷۰۲	۱,۱۰۶	۲,۱۸۵	۲,۱۵۸	۲۴۰	۱۰۶	۱۰۶	بیشتر
۱۳۸۹	۱۵,۳۰۱	۵,۰۴۷	۲,۹۰۸	۱,۶۵۶	۱,۱۰۱	۲,۲۲۹	۲,۰۱۵	۲۲۸	۱۱۸	۱۱۸	بیشتر
۱۳۹۰	۱۴,۹۶۲	۵,۱۱۰	۲,۷۸۷	۱,۵۸۳	۱,۰۰۲	۲,۱۳۸	۱,۹۹۸	۲۲۷	۱۱۹	۱۱۹	بیشتر
۱۳۹۱	۱۴,۷۸۷	۴,۸۴۳	۲,۷۷۹	۱,۶۵۲	۱,۰۸۱	۲,۲۰۰	۱,۸۹۰	۲۲۶	۱۱۶	۱۱۶	بیشتر
۱۳۹۲	۱۴,۶۹۷	۴,۶۲۵	۲,۶۹۸	۱,۵۲۸	۱,۱۲۳	۲,۲۲۵	۲,۱۲۹	۲۵۰	۱۲۰	۱۲۰	بیشتر
۱۳۹۳	۱۴,۴۵۲	۴,۷۵۷	۲,۴۹۶	۱,۴۴۹	۱,۰۷۰	۲,۱۳۲	۲,۱۶۲	۲۵۷	۱۲۹	۱۲۹	بیشتر

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر طی سال‌های مختلف.

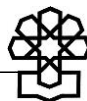
همان‌طور که جدول ۲ و نمودار ۳ نشان می‌دهند، تعداد کارگاه‌های صنعتی از سال ۱۳۸۳ به بعد کاهش یافته اما این کاهش بیشتر به واحدهای کوچک متمرکز بوده است. در واقع تعداد کارگاه‌های ۱۰ تا ۱۹ نفر، ۲۰ تا ۲۹ نفر و ۳۰ تا ۳۹ نفر روندی رو به کاهش داشته و برعکس بر تعداد واحدهای صنعتی با مقیاس ۴۰ نفر و بیشتر افزوده شده است. اگر تعریف صنایع کوچک که واحدهای کمتر از ۵۰ نفر را دربر می‌گیرد مبنا قرار گیرد، در این صورت تعداد واحدهای کوچک طی دوره مورد بررسی کاهش یافته است (نمودار ۵). این تغییر الگو نشان می‌دهد بحران تعطیلی واحدهای صنعتی طی بیش از یک دهه گذشته (۱۳۹۳-۱۳۸۳) بیشتر بر واحدهای کوچک متمرکز بوده است. با توجه به اهمیت

واحدهای کوچک و متوسط در جذب شاغلان، به نظر می‌رسد که روند تعطیلی این بنگاه‌ها نقش مهمی در کاهش ظرفیت اشتغالزایی بخش صنعت داشته است.

نمودار ۵. مقایسه روند تعداد واحدهای فعال صنایع کوچک (۱۰ تا ۴۹ نفر) با سایر واحدهای فعال صنعتی



مأخذ: همان.



۵. مهارت، تحصیلات و سن شاغلان و نقش بخش خصوصی در جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

با توجه به روند صعودی تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار، بررسی ترکیب مهارت و تحصیلات شاغلان صنعتی اهمیت زیادی پیدا کرده است، زیرا نشان می‌دهد بخش صنعت تا چه اندازه قابلیت جذب این افراد را دارد. شواهد بازار کار طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد به دلیل گسترش آموزش عالی، تعداد افراد جویای کار با تحصیلات دانشگاهی رو به افزایش است. براساس آمارهای رسمی، در سال ۱۳۸۰ از کل تعداد افراد شاغل در بازار کار ۱۰/۷ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. در همین سال ۱۰/۳ درصد بیکاران را افرادی با تحصیلات دانشگاهی تشکیل می‌دادند. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی از کل شاغلین کشور به ۲۰/۶ درصد افزایش یافته، اما سهم همین افراد از تعداد بیکاران به ۴۱/۳ درصد رسیده است که نشان می‌دهد بخش بزرگی از بیکاران کشور، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند.^۱

شواهد نشان می‌دهد که بخش اصلی شاغلان تولیدی (یعنی شاغلان فعال در خط تولید) واحدهای صنعتی را کارگران ساده و کارگران ماهر تشکیل می‌دهند، هرچند در طول زمان سهم تکنسین‌ها و مهندسین از شاغلین تولیدی افزایش یافته است.

با توجه به روند فزاینده تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که طی یک دهه گذشته وارد بازار کار کشور شده‌اند، به نظر می‌رسد که افزایش تقاضای نیروی انسانی با تحصیلات دانشگاهی بسیار کندتر از آن است که بتواند تحول مهمی در بازار کار ایجاد کند. این

موضوع نشان می‌دهد که نیاز بخش صنعت بیشتر معطوف به کارگران ساده و ماهر است.

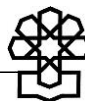
جدول ۳. ترکیب مهارتی شاغلان تولیدی در کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر

(سه‌م به درصد)

شاغلان غیر تولیدی	شاغلان تولیدی					سال
	جمع شاغلان تولیدی	مهندس	تکنسین	کارگر ماهر	کارگر ساده	
۲۲/۰	۷۸/۰	۶/۴	۶/۵	۴۳/۹	۴۳/۳	۱۳۸۳
۲۱/۸	۷۸/۲	۶/۶	۷/۱	۴۳/۴	۴۳/۰	۱۳۸۴
۲۱/۵	۷۸/۵	۷/۰	۷/۱	۴۴/۶	۴۱/۳	۱۳۸۵
۲۲/۱	۷۷/۹	۷/۲	۷/۴	۴۴/۰	۴۱/۵	۱۳۸۶
۲۲/۷	۷۷/۳	۷/۲	۷/۹	۴۳/۲	۴۱/۸	۱۳۸۷
۲۲/۹	۷۷/۱	۷/۱	۸/۲	۴۲/۹	۴۱/۸	۱۳۸۸
۲۲/۷	۷۷/۳	۷/۷	۹/۰	۴۲/۹	۴۰/۴	۱۳۸۹
۲۲/۹	۷۷/۱	۸/۰	۹/۳	۴۱/۱	۴۱/۶	۱۳۹۰
۲۳/۳	۷۶/۷	۸/۲	۹/۳	۴۰/۹	۴۱/۶	۱۳۹۱
۲۳/۶	۷۶/۴	۸/۹	۹/۴	۴۰/۳	۴۱/۴	۱۳۹۲
۲۴	۷۶	۹/۴۵	۹/۶	۳۹/۴۴	۴۱/۴۵	۱۳۹۳

مأخذ: همان.

جدول ۳ همچنین نشان می‌دهد که در طول زمان سهم شاغلان غیرتولیدی افزایش ملایمی داشته است. شاغلان غیرتولیدی در طبقه‌بندی مرکز آمار ایران شامل همه شاغلانی می‌شود که در خط تولید فعال نیستند، بلکه در سایر قسمت‌های واحد صنعتی مانند بازاریابی و اداری فعالیت می‌کنند. با توجه به تمرکز یافتن بخش صنعت بر واحدهای بزرگ طی یک دهه گذشته (جدول ۲ در بخش قبل) و اهمیت یافتن بخش‌هایی مانند بخش مالی، بازاریابی و مدیریت و اداری در واحدهای بزرگ طبیعی است که سهم این دسته از شاغلان در یک دهه گذشته افزایش یافته است.



یکی از مهمترین تحولات در بخش صنعت، تغییر در ترکیب نیروی انسانی شاغل برحسب سواد و تحصیلات است. در طول زمان از سهم نیروی کار بی سواد و کسانی که تحصیلات کمتر از دیپلم دارند کاسته شده است و بر سهم سایر سطوح تحصیلات، از جمله دیپلم و فوق دیپلم افزوده شده است. اگرچه سهم شاغلان لیسانس و بالاتر نیز در طول زمان اضافه شده است، اما به هر حال سهم بالای نیروی کار شاغل در بخش صنعت را افرادی تشکیل می دهند که تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم دارند. بعد از آن، نیروی کار با تحصیلات لیسانس بیشترین سهم را از کل شاغلان صنعتی به خود اختصاص می دهند. شواهد فوق نشان می دهد که بخش صنعت بیشتر نیروی کار ساده با تحصیلات پایین جذب می کند و تقاضای بخش صنعت برای نیروی کار بالاتر از لیسانس بسیار اندک است (جدول ۴)

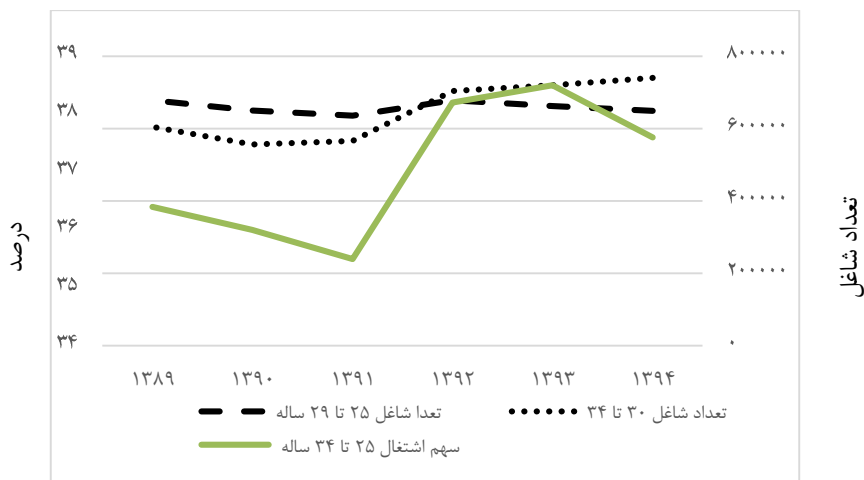
جدول ۴. سهم شاغلان برحسب تحصیلات از کل سهم شاغلان صنعت (درصد)

سال	بی سواد	کمتر از دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتر
۱۳۸۳	۳/۷	۴۵/۶	۳۴/۵	۶/۱	۹/۱	۰/۸	۰/۱۹
۱۳۸۴	۳/۰	۴۳/۹	۳۶/۴	۶/۴	۹/۳	۰/۹	۰/۲۰
۱۳۸۵	۲/۴	۴۱/۳	۳۸/۰	۶/۹	۱۰/۲	۰/۹	۰/۲۰
۱۳۸۶	۲/۱	۳۹/۰	۳۹/۶	۷/۵	۱۰/۷	۱/۰	۰/۲۱
۱۳۸۷	۲/۲	۳۶/۹	۴۰/۳	۸/۵	۱۱/۰	۱/۰	۰/۲۰
۱۳۸۸	۱/۸	۳۵/۷	۴۱/۱	۸/۹	۱۱/۲	۱/۱	۰/۲۲
۱۳۸۹	۲/۳	۳۳/۰	۴۲/۰	۹/۵	۱۱/۷	۱/۲	۰/۲۱
۱۳۹۰	۲/۲	۳۱/۸	۴۲/۱	۱۰/۰	۱۲/۳	۱/۳	۰/۲۱
۱۳۹۱	۲/۱	۳۱/۳	۴۱/۶	۱۰/۲	۱۳/۰	۱/۵	۰/۲۲
۱۳۹۲	۲/۰	۲۹/۸	۴۱/۹	۱۰/۵	۱۳/۹	۱/۷	۰/۲۳
۱۳۹۳	۱/۸	۲۸/۳	۴۲/۶	۱۰/۴۶	۱۴/۶	۲	۰/۲۳

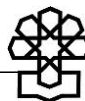
مأخذ: همان.

تغییر در ترکیب نیروی انسانی شاغل برحسب رده سنی در سال‌های اخیر نیز از دیگر مهمترین تحولات در بخش صنعت است. اگرچه افراد فارغ‌التحصیل دانشگاهی از مقطع کاردانی تا فوق‌لیسانس عمدتاً در رده سنی ۲۳ تا ۳۰ سال قرار می‌گیرند. اما از سال ۱۳۹۲ به بعد (مطابق نمودار ۶)، تعداد شاغلین رده سنی ۲۵ تا ۲۹ سال با روند ملایم نزولی مواجه بوده و این به معنای کاهش تعداد ورودی نیروی کار تحصیلکرده تازه فارغ‌التحصیل شده به بخش صنعت است در صورتی که در همین دوره، شاغلین رده سنی ۳۰ تا ۳۹ سال افزایش داشته و این به معنای بالا رفتن سن شاغلین بخش صنعت به خصوص در سال‌های اخیر است. عدم تناسب در روند تعداد ورودی به بخش صنعت و افزایش سن شاغلین این بخش می‌تواند یکی از چالش‌های آینده این بخش باشد.

نمودار ۶. تغییر سهم و توزیع شاغلان رده سنی ۲۵ تا ۳۹ سال در بخش صنعت



مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار طی سال‌های مختلف.



جدول ۵. توزیع شاغلان صنعتی بین بخش‌های تعاونی، خصوصی و دولتی برحسب سطح تحصیلات در سال ۱۳۹۳ (سهم از کل و از بخش به درصد)

شرح	تعداد کارگاه	کل شاغلان	بی‌سواد (سهم از بخش)	کمتر از دیپلم (سهم از بخش)	دیپلم (سهم از بخش)	فوق دیپلم (سهم از بخش)	لیسانس (سهم از بخش)	فوق لیسانس (سهم از بخش)	دکترای (سهم از بخش)
بخش خصوصی	۹۳/۶	۹۳	۱/۶ (۱/۸)	۲۶/۲ (۲۸/۲)	۴۰ (۴۲/۸)	۹/۷ (۱۰/۴)	۱۳/۶ (۱۴/۶)	۱/۸ (۲)	۰/۲ (۰/۲)
بخش عمومی	۲/۵	۵/۳	۰/۰۷ (۱/۴)	۱/۴ (۲۷/۳)	۲/۱ (۴۱/۲)	۰/۶۳ (۱۲)	۰/۸۱ (۱۵/۴)	۰/۱۱ (۲/۲)	۰/۰۲۲ (۰/۴)
بخش تعاون	۳/۹	۱/۷	۰/۰۷۵ (۴/۵)	۰/۶۵ (۳۸/۶)	۰/۵۷ (۳۳/۸)	۰/۱۵ (۸/۸)	۰/۲۱ (۱۲/۵)	۰/۰۲۴ (۱/۴)	۰/۰۰۷ (۰/۴)

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر.

بررسی ترکیب شاغلان برحسب بخش خصوصی و دولتی نشان می‌دهد که بخش خصوصی حدود ۹۴ درصد از کل کارگاه‌های صنعتی و ۹۳ درصد از کل شاغلان در بخش صنعت را به خود اختصاص داده است. این موضوع اهمیت بخش خصوصی در ایجاد اشتغال در بخش صنعت را نشان می‌دهد. شواهد نشان می‌دهد که بخش خصوصی بیشتر مایل به استخدام نیروی کار با تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم داشته است، به طوری که حدود ۷۱ درصد از کل شاغلان کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر در سال ۱۳۹۳ دارای تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم بوده‌اند. در بخش عمومی نیز این سهم ۶۸ درصد بوده است. اگر شاغلان دارای تحصیلات فوق دیپلم نیز به این رقم اضافه شود، مشاهده می‌شود که بخش‌های خصوصی و دولتی به ترتیب ۸۱ درصد و ۸۰ درصد از شاغلان خود را از بین کسانی انتخاب کرده‌اند که تحصیلات آنها فوق دیپلم و کمتر بوده است. این الگو نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین ترکیب نیروی کار بخش خصوصی و دولتی از ابعاد

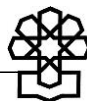
تحصیلات وجود ندارد و بخش صنعت تلاش کرده است که بخش اصلی نیروی کار خود را از بین کسانی انتخاب کند که تحصیلات عمده دانشگاهی بالایی ندارند.

۶. بررسی طرح کارانه اشتغال برای جوانان (کاج)

در حال حاضر، اقتصاد ایران با بیکاری گسترده در گروه سنی جوانان به خصوص دانش‌آموختگان دانشگاهی مواجه است و بیشتر فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، جوانانی هستند که بنگاه‌های اقتصادی تمایل چندانی برای جذب آنها ندارند و این وضعیت سیاست‌گذاری برای تشویق فعالان اقتصادی طرف تقاضای بازار کار کشور جهت ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب را بسیار مهم و ضروری ساخته است. در همین راستا برنامه اشتغال فراگیر برای سال ۱۳۹۶ توسط دولت تهیه و تدوین شد و در شورای عالی اشتغال و ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی به تصویب رسیده است. بخشی از این برنامه مربوط به نحوه مداخله دولت در زمینه اشتغال جوانان در قالب «طرح کارانه اشتغال جوانان (طرح کاج)» است.

طرح کاج یکی از طرح‌های اشتغالزای دولت، ذیل برنامه اشتغال فراگیر است که سه طرح کارورزی ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار، مهارت‌آموزی در محیط کار واقعی و مشوق‌های بیمه‌ای کارفرمایی را شامل می‌شود.

طرح کارورزی و طرح مشوق و بیمه کارفرمایی مربوط به جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی ۲۳ تا ۳۳ ساله و در مجموع ۳۵۰ هزار نفر (مشوق بیمه کارفرمایی ۲۰۰ هزار نفر، طرح کارورزی ۱۵۰ هزار نفر) را شامل می‌شود. طرح مهارت‌آموزی در محیط واقعی کار به جوانان فاقد تحصیلات دانشگاهی و گروه سنی ۱۵ تا ۲۲ ساله اختصاص دارد که



دربرگیرنده ۵۰ هزار نفر است.^۱

اهداف طرح کاج عبارتند از:

- افزایش مهارت و اشتغال‌پذیری جوانان،

- تسهیل در جذب و به‌کارگیری جوانان در بنگاه‌های اقتصادی،

- کمک به کاهش هزینه‌های نیروی کار در بنگاه‌های اقتصادی،

- هدایت هدفمند منابع هدفمندسازی بارانه‌ها در جهت توسعه اشتغال جوانان.

در معرفی دوره کارورزی آمده است که رشد اقتصادی و ظرفیت اشتغالزایی جامعه متناسب با رشد دانش‌آموختگان نمی‌باشد. یکی از دلایل این امر، کافی نبودن مهارت دانش‌آموختگان برای جذب در بازار کار است.

ایجاد زمینه‌های لازم برای برقراری تعامل میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با واحدهای فعال اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز آموزش مهارت‌های مورد نیاز در فضاهای شغلی و همچنین فراهم آوردن زمینه‌های نوآوری در مسیرهای شغلی باشد.

در برآورد میزان پذیرش کارورز در بنگاه‌های اقتصادی (تقاضای کارورز) برای بخش تولید صنعتی (ساخت)، تعدد بنگاه‌های صنعتی در سال ۱۳۹۴ معادل ۳۴۶۳۲۷ واحد با سرانه اشتغال ۷ نفر اعلام شده است. برآورد انجام شده در طرح کاج در زمینه تقاضای کارورزی در بخش صنعت در قالب دو گزینه (یا سناریو) مشارکت ۵ و ۱۰ درصد بنگاه‌ها در اجرای این طرح ارائه شده است. براساس سناریوی مشارکت ۵ درصد، ظرفیت پذیرش کارورز ۳۴۶۳۳ نفر و براساس سناریوی مشارکت ۱۰ نیز ظرفیت پذیرش کارورز ۶۹۲۶۵ نفر برآورد شده است که در

۱. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، طرح کارانه اشتغال جوانان (کاج)، خردادماه ۱۳۹۶.

هدفگذاری سال ۱۳۹۶ برای بخش صنعت به‌طور میانگین ۴۲۰۹۶ نفر اعلام شده است.^۱ محاسبات نشان می‌دهد^۲ که در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۸، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ که تعداد شاغلین افزایش داشته است به‌طور متوسط حدود ۷۰ درصد از افزایش تعداد شاغلین مربوط به بنگاه‌های زیر ۵ نفر کارکن و به‌طور متوسط حدود ۸۰ درصد مربوط به بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارکن می‌باشد.^۳

برای مثال در سال ۱۳۸۵، از خالص تعداد ۲۲۱۵۹۶ نفر شاغلین اضافه شده، تعداد ۳۳۵۳۹۴ نفر (۱۵۱ درصد) به شاغلین زیر ۵ نفر کارکن اضافه شده است و بنگاه‌های زیر ۹ نفر کارکن در حدود ۴۱ درصد (۹۰۸۲۴ نفر) کاهش اشتغال داشته‌اند. به‌عبارت دیگر ۱۱۰ درصد شاغلین مربوط به بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارکن بوده است.

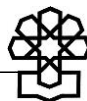
در سال ۱۳۸۶، از خالص تعداد ۲۵۲۶۳۴ نفر شاغلین اضافه شده، بنگاه‌های زیر ۵ نفر کارکن، ۸۲۰۸۱ نفر (۷ درصد) کاهش اشتغال داشته‌اند و بنگاه‌های زیر ۵ نفر کارکن تعداد ۲۰۹۱۰۷ نفر (۸۸ درصد) افزایش اشتغال داشته است و به عبارتی در حدود ۸۱ درصد شاغلین مربوط به بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارکن بوده است.

از ۵۰۰ هزار نفر تعداد شاغلین اضافه شده در سال ۱۳۸۸ حدود ۳۲۵ هزار نفر آن (۶۵ درصد) مربوط به بنگاه‌های زیر ۵ نفر کارکن است.

در سال ۱۳۹۲ حدود ۷۵ درصد شاغلین اضافه شده در بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارکن بوده است. به‌عبارت دیگر از خالص ۷۰۰ هزار نفر شاغل اضافه شده، ۳۸۰ هزار نفر (۵۳ درصد) از آن

۱. همان.

۲. محاسبات این قسمت براساس داده‌های خام پرسشنامه خانوار و نرم‌افزار stata انجام شده است.
 ۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، واکوی افزایش اشتغال در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، شماره ۱۵۴۳۱، تیرماه ۱۳۹۶.



در بنگاه‌های زیر ۵ نفر کارکن بوده است. افزایش اشتغال در بنگاه‌های زیر ۹ نفر کارکن، ۱۶۰ هزار نفر بوده است. به همین ترتیب در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۸۲ و ۱۰۶ درصد^۱ از خالص شاغلین اضافه شده، مربوط به بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارکن بوده است.^۲

جدول ۶. تعداد شاغلین اضافه شده در بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر

کارکن طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ (نفر)

اشتغالی بنگاه زیر ۱۰ نفر کارکن	اشتغالی بنگاه زیر ۵ نفر کارکن	اشتغالی کل (خالص)	کل شاغلین	سال
			۲۰۶۱۴۶۶۷	۱۳۸۴
-۹۰۸۲۴	۳۳۵۳۹۵	۲۲۱۵۹۶	۲۰۸۳۶۲۶۳	۱۳۸۵
۲۰۹۱۰۷	-۱۸۵۱۳	۲۵۲۶۳۴	۲۱۰۸۸۸۹۷	۱۳۸۶
-۴۹۶۷۶۱	-۳۷۵۷۶۶	-۵۸۸۵۸۷	۲۰۵۰۰۳۱۰	۱۳۸۷
-۲۶۳۶۳	۳۲۵۵۷۱	۵۰۰۳۹۴	۲۱۰۰۰۷۰۴	۱۳۸۸
-۸۷۶۹۰	-۱۳۵۷۹۱	-۳۴۴۰۱۱	۲۰۶۵۶۶۹۳	۱۳۸۹
-۱۲۷۹۴۰	-۳۵۹۴۲۵	-۷۶۹۳۹۶	۲۰۵۰۹۹۴۶	۱۳۹۰
۱۷۹۸۰۰	۴۵۵۸۵۳	۱۱۸۲۸۰	۲۰۶۲۸۲۲۶	۱۳۹۱
۲۳۷۹۶۲	۳۷۹۷۶۸	۷۱۷۹۵۴	۲۱۳۴۶۱۸۰	۱۳۹۲
-۲۴۱۶۴	-۲۸۹۲۱۶	-۴۱۸۷۷	۲۱۳۰۴۳۰۳	۱۳۹۳
۱۵۴۰۱۳	۳۹۲۷۹۲	۶۶۷۷۸۲	۲۱۹۷۲۰۸۵	۱۳۹۴
-۳۶۴۷۱	۶۸۸۷۶۵	۶۱۵۹۶۸	۲۲۵۸۸۰۵۳	۱۳۹۵

مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، واکاوی افزایش اشتغال در سال‌های ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، تیرماه ۱۳۹۶.

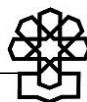
۱. سهم بالای ۱۰۰ درصد بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارکن در سال ۱۳۹۵ به معنای کاهش شاغلین بنگاه‌های با ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در این سال است.
۲. همان.

مطالب فوق نشان می‌دهد که بنگاه‌های خرد و زیر ۱۰ نفر کارکن، عامل اصلی اشتغالزایی طی سال‌های مورد نظر بوده است.

بیش از ۸۲ درصد از افزایش اشتغال در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳ مربوط به بنگاه‌های خرد اقتصادی (دارای کمتر از ۱۰ نفر کارکن) بوده است. بنگاه‌هایی که با توجه به تعداد بسیار زیاد و پراکندگی قابل توجه آنها در کشور و در رشته فعالیت‌های مختلف اقتصادی (به‌خصوص در بخش خدمات) تحولات آنها ملموس نیست.

به‌عبارت دیگر از ۶۶۸ هزار نفر افزوده شده به جمعیت شاغل در سال ۱۳۹۴، حداقل ۳۹۲ هزار نفر به جمعیت شاغل در بنگاه‌های دارای ۱ تا ۴ نفر کارکن و حداقل ۱۵۶ هزار نفر به جمعیت شاغلان بنگاه‌های دارای ۵ تا ۹ نفر کارکن اضافه شده است، لذا بیش از ۸۲ درصد از افزایش اشتغال در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳ مربوط به بنگاه‌های خرد اقتصادی (دارای کمتر از ۱۰ نفر کارکن) بوده است. همچنین در سال ۱۳۹۵ بیش از ۱۰۰ درصد افزایش اشتغال مربوط به بنگاه‌های دارای ۱ تا ۴ نفر کارکن بوده است که اتفاقی بسیار مهم و قابل توجه در این سال است.

تعداد بسیار زیاد این بنگاه‌ها و پراکندگی آنها سبب می‌شود یک تحرک کوچک در شرایط اقتصادی این بنگاه‌ها سبب تحولی بزرگ در جمعیت کل شاغلان کشور شود. به‌عنوان مثال قابل ذکر است که فقط در بخش صنعت ساخت بیش از ۴۰۰ هزار کارگاه صنعتی دارای کمتر از ۱۰ نفر کارکن در کشور وجود دارد که متوسط بُعد کارکن در آنها کمتر از ۳ نفر است، لذا این کارگاه‌ها عمدتاً مشاغل مستقلی هستند که توسط خود افراد و با تأمین مالی خرد (خارج از بازارهای مالی) ایجاد شده و به فعالیت می‌پردازند. تعداد این بنگاه‌ها در همه بخش‌های اقتصادی اعم از بخش‌های خدمات، کشاورزی، ساختمان



و... بسیار زیاد است و یک تحرک مثبت یا شرایط مساعد اقتصادی می‌تواند سبب تحولی بزرگ در تعداد بسیار زیادی از این بنگاه‌ها شده که برآیند افزایش چشمگیر تعداد شاغلان کشور است.^۱

بنابراین با توجه به ماهیت و ساختار اشتغال در بخش صنعت کشور می‌توان در تحلیل «طرح کاج» دولت به این نکات مهم اشاره کرد که عمده اشتغال تحقق یافته در بخش صنعت کشور در سال‌های اخیر عمدتاً معطوف به صنایع خرد زیر ۱۰ نفر کارکن و در سال ۱۳۹۵ حتی به زیر ۵ نفر کارکن بوده است، از طرف دیگر الگوی اشتغال بخش صنعت نشان‌دهنده این واقعیت است که بیش از ۷۰ درصد اشتغال موجود در بخش صنعت کشور دارای تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم است. به عبارت دیگر فاقد تحصیلات دانشگاهی هستند.

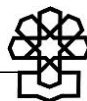
بنابراین در طرح کاج با هدف تسهیل در جذب و به‌کارگیری جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی ۲۳ تا ۳۳ ساله (مشمول بر فارغ‌التحصیلان دوره‌های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری)، به‌منظور امکان اجرایی شدن سهم پیش‌بینی شده حدود ۲۸ درصدی بخش صنعت که به‌طور میانگین معادل ۴۲۰۹۶ نفر از سرجمع ۱۵۰۰۰۰ نفر هدفگذاری شده در سال ۱۳۹۶ است، باید با تأمل بیشتری در دستور کار دولت و به‌خصوص وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار گیرد و علاوه بر محرک‌های نظام تشویقی برای شکل‌گیری مهارت، از دیگر محرک‌ها و سیاست‌های مؤثر در حوزه فناوری و نوآوری بهره‌گیری. به عبارت دیگر برای اجرای طرح کاج و جذب جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی

در بخش صنعت پیشنهاد می‌شود عمده نگاه دولت به صنایع دانش‌بنیان و صنایع نیازمند نوآوری و فناوری متمرکز شود که این امر مستلزم تحریک و تشویق صنایع به تشکیل و تکمیل واحدهای تحقیق و توسعه (R&D)، به‌کارگیری روش نوین تأمین مالی خارجی یا فاینانس و افزایش رقابت‌پذیری محصولات صنعتی در راستای افزایش صادرات صنعتی و غیرنفتی با ارزش افزوده بالا در راستای سیاست کلی اقتصاد مقاومتی و قانون برنامه ششم توسعه است.

جمع‌بندی و ارائه راهکار

تصویر کلان بازار کار ایران حاکی از این است که اشتغالزایی به‌ویژه برای افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در سال‌های آینده یکی از چالش‌های اساسی کشور خواهد بود. سهم جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی از جمعیت بیکار کشور رو به افزایش است به‌گونه‌ای که این سهم از حدود ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۴۱ درصد در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است. در این میان بخش صنعت به‌طور بالقوه نقش مهمی در جذب نیروی کار دارد. براساس نتایج طرح آمارگیری مرکز آمار ایران، بخش صنعت به مفهوم عام در سال‌های اخیر به‌طور متوسط حدود ۳۲ درصد از اشتغال کشور را به‌خود اختصاص داده است و در صنعت ساخت به تنهایی حدود ۱۷ درصد اشتغال دارند.

الگوی اشتغال در بخش صنعت نشان می‌دهد که متناسب با رشد بخش صنعت، اشتغال ایجاد نشده است. به‌عبارت دیگر رشد بخش صنعت، منبع ایجاد اشتغال در بخش صنعت نبوده است و این امر به‌طور ضمنی مؤید اشتغالزایی صنایع خرد و کوچک در بخش



صنعت است که سهم آن در رشد صنعت پایین است. تعداد واحدهای فعال صنعتی به خصوص از میانه دهه ۱۳۸۰ به شدت افت کرد که حکایت از رکود و بحران تعطیلی کارگاه‌های صنعتی از سال ۱۳۸۶ تاکنون دارد.

توزیع اشتغال از بین رشته‌های فعالیت‌های مختلف صنعتی نمایانگر سهم بالای صنایع مواد غذایی و آشامیدنی (۱۶/۵ درصد)، صنایع تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی (۱۳ درصد)، صنایع تولید وسایل نقلیه موتوری (۱۱/۴ درصد)، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی (۱۰/۴ درصد) و صنایع تولید فلزات اساسی (۱۰/۳ درصد) است. به عبارت دیگر بیش از ۵۰ درصد اشتغال بخش صنعت در پنج رشته فعالیت فوق‌الذکر متمرکز شده است.

نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر نشان می‌دهد که بیشتر تعطیلی و ریزش واحدهای صنعتی طی یک دهه اخیر به صنایع کوچک (واحدهای ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن) اختصاص داشته است. با توجه به اهمیت واحدهای کوچک در اشتغالزایی، به نظر می‌رسد تعطیلی این واحدها، نقش مهمی در تنزل ظرفیت اشتغالزایی بخش صنعت داشته است.

شواهد آماری نشان می‌دهد که ترکیب اصلی شاغلان تولیدی بخش صنعت بیشتر معطوف به کارگران ساده و کارگران ماهر غیردانشگاهی است هرچند در طول زمان سهم تکنسین‌ها و مهندسی‌ن از شاغلان تولیدی افزایش یافته است. برای نمونه حدود ۷۱ درصد از کل شاغلان واحدهای صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر در سال ۱۳۹۳ را کارگران با تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم تشکیل داده‌اند.

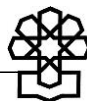
تغییر در ترکیب نیروی انسانی شاغل در بخش صنعت براساس رده سنی و سطح سواد از مهمترین تحولات بخش طی سال‌های اخیر است به گونه‌ای که طی دوره ۱۳۸۹

تا ۱۳۹۴ به استثنای سال ۱۳۹۱ در بقیه سال‌های این دوره، سهم افراد در رده سنی ۲۵ تا ۳۴ ساله شاغل در بخش صنعت که عمدتاً شامل جوانان تحصیلکرده دوره‌های لیسانس، فوق لیسانس و دکتری هستند، دارای روند نزولی بوده است.

این درحالی است که در طرح کارانه اشتغال برای جوانان (کاج) که ذیل برنامه اشتغال فراگیر دولت قرار می‌گیرد به طرح کارورزی ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار تأکید شده است. در مبانی و دلایل ضرورت اجرای طرح کارورزی آمده است؛ رشد اقتصادی و ظرفیت اشتغالزایی جامعه متناسب با رشد دانش‌آموختگان نبوده و یکی از دلایل اصلی این امر، کافی نبودن مهارت دانش‌آموختگان برای جذب در بازار کار است.

در طرح کارورزی ویژه جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی برای سال ۱۳۹۶، سهم بخش تولید صنعتی (ساخت)، ۴۲۰۹۶ نفر از سرجمع ۱۵۰۰۰۰ نفر معادل سهم ۲۸ درصد در نظر گرفته شد که در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصاد، سهم بالایی است.

بنابراین به نظر می‌رسد برای اجرای طرح‌های اشتغالزایی مانند «طرح کاج» در بخش صنعت باید قبل از هر چیز به الگوی اشتغال، ترکیب و سطح مهارت و دیگر مؤلفه‌های اصلی بازار کار در آن بخش توجه اساسی داشت. دو واقعیت اساسی در زمینه اشتغال صنعتی طی سال‌های اخیر حاکی از این است که اولاً عمده اشتغال تحقق یافته در بخش صنعت کشور به صنایع خرد زیر ۱۰ نفر کارکن و یا حتی زیر ۵ نفر کارکن اختصاص داشته است ثانیاً بیش از ۷۰ درصد اشتغال موجود در بخش صنعت کشور دارای تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم بوده و به عبارت دیگر فاقد تحصیلات دانشگاهی هستند. بنابراین موفقیت طرح‌های اشتغالزایی در بخش صنعت علاوه بر استفاده از محرک‌های نظام تشویقی برای شکل‌گیری مهارت مستلزم بهره‌گیری از محرک‌ها و سیاست‌های مؤثر در حوزه



فناوری و نوآوری می‌باشد. در این میان، صنایع دانش‌بنیان و صنایع نیازمند نوآوری و فناوری، تشویق و تحریک صنایع در راستای تکمیل واحدهای تحقیق و توسعه (R&D) با تمرکز بر حمایت‌های مالی دولت در این حوزه‌ها، تشویق و تسهیل در به‌کارگیری روش‌های نوین تأمین مالی خارجی یا فاینانس و افزایش رقابت‌پذیری محصولات صنعتی به‌منظور افزایش صادرات غیرنفتی ارزش‌افزوده بالا در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و قانون برنامه ششم توسعه از جایگاه مهمی در برنامه‌های اشتغالزایی در بخش صنعت برخوردار هستند.

بنابراین با توجه به نتایج فوق، دو راهکار اصلی برای بهبود وضعیت اشتغال و افزایش به‌کارگیری جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی در بخش صنعت ایران در قالب طرح‌های اشتغالزایی مانند «طرح کاج» پیشنهاد می‌شود:

۱. اصلاحات نهادی و افزایش مشارکت بخش خصوصی در بخش صنعت،

۲. افزایش ضریب نفوذ فناوری و نوآوری در بخش صنعت.

هریک از راهکارهای مذکور مستلزم رعایت نکاتی است که در ادامه تشریح خواهد شد.

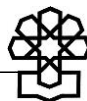
– اصلاحات نهادی و افزایش مشارکت بخش خصوصی در بخش صنعت

تقویت بخش خصوصی برای ایجاد اشتغال و اصلاح ساختار فعلی اشتغال در بخش صنعت مستلزم تغییرات نهادی و ساختاری جدی هم در بازار نیروی کار و هم در نظام آموزشی است. در حال حاضر ایران در بین کشورهای در حال توسعه به لحاظ محیط کسب‌وکار در پایین‌ترین رتبه‌ها قرار دارد و انعطاف‌پذیری بازار نیروی کار به حدی کم است که انگیزش لازم را برای سرمایه‌گذار بخش خصوصی فراهم نمی‌کند. اصلاح زیرساخت‌های نرم (یعنی قوانین و مقررات)

می‌تواند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را به ویژه در صنایع دانش‌بنیان و مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته ترغیب کند. در این میان، یکی از مهمترین موارد، نظام تشویقی برای شکل‌گیری مهارت‌هاست که نیازمند انعطاف‌پذیری بیشتر نظام آموزشی و استقلال بیشتر بخش خصوصی برای مشارکت در راهبری نظام آموزشی است (Salehi-Isfahani, 2013).

– افزایش ضریب نفوذ فناوری و نوآوری در بخش صنعت

جهت‌گیری سیاست‌های صنعتی به سمت فناوری و نوآوری، فرصت‌های جذب فارغ‌التحصیلان در بخش صنعت را افزایش می‌دهد. در این راستا سیاست‌گذاری‌های دولتی باید طرف عرضه (دولت) و طرف تقاضا (بازار کار) را به‌طور همزمان پوشش دهد. از جمله اقدامات تقویت طرف عرضه، می‌توان به راه‌اندازی مؤسسات آموزشی و شوراهای مهارتی متناسب با صنعت اشاره کرد. سیاست‌های تحریک طرف تقاضا برای جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی در بخش صنعت نیز شامل اعتبارهای مالیاتی برای حقوق و دستمزد این افراد، یارانه حقوق و دستمزد و گرنت یا پژوهانه آموزشی هستند (UNIDO, 2015). البته باید توجه داشت که افزایش تقاضا برای محصولات دانش‌بنیان و صنایع مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته، مقوله دیگری است که در محدوده این مطالعه نمی‌گنجد. به هر حال می‌توان گفت رسوخ فناوری و نوآوری در بخش صنعت، اصلی‌ترین محرک تقاضا برای جذب نیروی کار با تحصیلات دانشگاهی است.



منابع و مأخذ

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی سالیانه.
 ۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی سال‌های مختلف.
 ۳. طباطبایی، سعادت و علی‌اصغر اژدری. «سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک در ایران»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۷.
 ۴. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۹۴.
 ۵. مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار طی سال‌های مختلف.
 ۶. مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر طی سال‌های مختلف.
 ۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، واكوی افزایش اشتغال در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، شماره ۱۵۴۳۱، تیرماه ۱۳۹۶.
 ۸. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، طرح کارانه اشتغال جوانان (کاج)، معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، خردادماه ۱۳۹۶.
9. International Monetary Fund, "Islamic Republic of Iran 2015 Article IV Consultation", IMF Country Report No. 15/349, 2015.
 10. Salehi-Isfahani, D.,(2013), "The Future of the Iranian Labour Market: Demography and Education", working paper presents at Legatum Institute's workshop on Economic Reform- October 2013.
 11. UNIDO,(2015), "Industrial Development Report 2016", the Role of Technology and Innovation in Inclusive and Sustainable Industrial Development, ISBN: 978-92-1-106454-4.
 12. U.S. Bureau of Labor Statistics, (2016), Current Population Survey.
 13. U.S. Bureau of Labor Statistics, (2016), Occupational Employment Statistics survey (employment data) and Employment Projections program (occupational education-level designations).



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۵۲۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیل الگوی اشتغال در بخش صنعت ایران (با بررسی طرح کارانه اشتغال برای جوانان (کاج))

نام دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه صنعت)

تهیه و تدوین کنندگان: حسن حیدری، علی اصغر اژدری

همکاران داخل مرکز: سعید شجاعی، پریسا علیزاده

همکار خارج مرکز: رویا دخت رستم

ناظران علمی: حسین افشین، مهدی فقیهی

متقاضی: معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —



واژه‌های کلیدی:

۱. اشتغال

۲. بخش صنعت

۳. فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۶/۸